

پیامدهای رفاه‌زدگی مسئولین و راه‌های برون‌رفت از آن از نگاه اسلام

مسلم نظری سرحانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده

با توجه به این که رفاه و برخورداری یک جامعه، از نشانه‌های شکوفایی یک تمدن است؛ نیل به آن از اولویت‌های هر جامعه‌ای در طول تاریخ بوده است. اما در مقابل رفاه‌گری که در قرآن به «اتراف» از آن یاد می‌شود، یکی از موانع مهم رشد انسان به سوی کمال بوده است. هر چند رفاه‌گری سبب اصلاح معاش می‌شود، اما فسادِ نفس انسان و دور شدن از اخلاقیات را نیز به همراه دارد. این پدیده‌ی اجتماعی که معلول علت‌هایی هم‌چون میل طبیعی انسان و راحت‌طلبی، استفاده‌ی نادرست و نابجا از ثروت، قدرت و مدیریت غلط، هر دو، می‌باشد، در میان بعضی از جوامع ایجاد شده و آن را دچار انحراف در مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی می‌کند. بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شاهد ظهور چنین پدیده‌ای در میان عده‌ای از خواص و حاکمان اسلامی بودیم.

کلید واژه‌ها: اسلام، مسئول، پیامدها، رفاه‌زدگی، راه‌های برون‌رفت.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

نظری سرحانی، مسلم (۱۴۰۰). «پیامدهای رفاه‌زدگی مسئولین و راه‌های برون‌رفت از آن از نگاه اسلام». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۱۴، صص ۱۲۸-۱۰۷.

^۱. طلبه سطح خارج حوزه علمیه قم، قم، ایران.

ایمیل: akbarrashedi123456@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

یقیناً سعادت و رفاه انسان، یک فضیلت و ارزش قابل سرمایه‌گذاری و از دغدغه‌های اصیل بشر است. هر کسی می‌کوشد تا به این هدف مقدس دست یابد و سعادت و خوشبختی را قرین زندگی خویش سازد و در جامعه سعادت‌مند زیست کند و حتی در یک سطح بالاتر، در جامعه‌ای زندگی کند که همه‌ی افراد آن احساس خوشبختی داشته باشند. بی‌توجهی به مسئله‌ی رفاه و رفاه‌زدگی ناشی از عدم شناخت بافت و جوهر مکتب الهی است. اگر کسی از زاویه‌ای که اسلام و مکاتب الهی به هستی می‌نگرند، بنگرد و ترسیمی را که این ادیان از مجموعه هستی و گذشته و آینده آن به دست می‌دهند، در ذهن داشته باشد و با درون مایه‌ی وحی و فرهنگ اسلامی آشنایی داشته باشد، می‌داند که همان‌گونه که رفاه و آسایش، لازمه‌ی حیات بشری است، رفاه‌زدگی به معنای فراموش کردن فلسفه هستی و غرق شدن در لجن‌زار متعفن زرق و برق دنیا و دل بستن به این مار خوش خط و خال است. از این رو نه تنها یک مسئله فرعی نیست بلکه زیربنا و خشت اول همه‌ی مسائل است.

با توجه به تأثیر بالای رفاه در رشد و ترقی انسان و تأثیرات بسیار منفی رفاه‌زدگی در زندگی شخصی و اجتماعی انسان، بر آن شدیم که تحقیقی در این رابطه انجام دهیم و از آن‌جا که قرآن و روایات، مهم‌ترین منابع دینی و سراسر حکمت می‌باشند، مناسب است مقوله رفاه و رفاه‌زدگی را، که متأسفانه امروزه گریبان‌گیر تمام اقشار جامعه بویژه مسؤلین، می‌باشد، از دید این دو منبع بررسی شود.

واژه رفاه در فرهنگ عربی و فارسی به معنای فراخ و آسان شدن زندگی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۰۶) و برخورداری از امکانات است (انوری، ۱۳۸۱: ۳۶۵). همچنین، رفاه در اصطلاح معنای خاصی نداشته و همان معنای لغوی از آن اراده می‌شود.

۲. پیامدهای فردی رفاه‌زدگی

رفاه‌زدگی و اشرافی‌گری، آثار و پیامدهای مختلفی بر شخص رفاه‌زده دارد؛ از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱. یاد نکردن خالق

یاد خداوند منان از موضوعاتی است که در آیات و روایات به‌عنوان راه‌حل بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، به آن اشاره شده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«الذِّكْرُ يُؤْنِسُ اللَّبَّ وَ بَيْنِي الْقَلْبَ وَ يَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ.» / «یاد خدا عقل را آرامش می‌دهد، دل

را روشن می‌کند و رحمت او را فرود می‌آورد» (تمیمی، ۱۳۷۴: ۱۸۹).

و یا در جایی دیگر می‌فرمایند:

«وَاذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا خَالِصًا تَحْيُوا بِهِ أَفْضَلَ الْحَيَاةِ وَتَسْلُكُوا بِهِ طَرِيقَ النَّجَاةِ» / «خدا را خالصانه یاد کنید تا بهترین زندگی را داشته باشید و با آن راه نجات و رستگاری را بیمایید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹).

خداوند متعال نیز در قرآن کریم تنها راه رسیدن به آرامش حقیقی را ذکر و یاد خودش معرفی می‌کند:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» / «(هدایت‌شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد، ۲۸).

دل‌بستگی‌های آدمی به فرزندان (ص، ۳۲، ۳۱)؛ مال و ثروت و دل‌بستگی به آن (منافقون، ۹) دل‌بستگی به دنیا و زینت‌های آن (کهف، ۲۸) سرگرم شدن به تجارت و دادوستد (نور، ۳۷)، جمع‌آوری ثروت (تکواثر، ۱، ۲)، جهد و حرص زدن، برای افزایش ثروت و قدرت برای برتری یافتن بر دیگران (همان) موجب می‌شود تا انسان چنان غرق در دنیا و لذت‌های آن شود که از خداوند غافل گردد. بنابراین اشتغال بیش از حد به دنیا و رفاه‌طلبی غیرصحیح که منجر به رفاه‌زدگی می‌شود، انسان را از یاد خدا که تمام سعادت دنیا و آخرت او در گرو آن است، دور می‌سازد تا آن‌که انسان یاد خدا را به‌طور کلی فراموش می‌کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{مدظله العالی}، یکی از مظاهر تقوا را دوری از اشرافی‌گری می‌داند و می‌فرماید:

«از جمله‌ی جاهایی که تقوا باید خودش را نشان بدهد این‌جا است ... مال‌اندوزی، مشکلات اخلاقی، میل به زندگی تجملاتی و اشرافیت؛ این‌ها چیزهایی است که ما مسئولین جمهوری اسلامی باید خیلی مراقب باشیم. وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ خب، این‌که ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی می‌کرد، حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل نکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. لازمه‌ی تقوا، این است که دنبال زندگی تجملاتی نروند و زندگی معمولی داشته باشند، اسراف نداشته باشند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

۲-۲. نگاه سطحی به مسائل و تنبلی

در تاریخ، هیچ اندیشمندی را نمی‌توان سراغ گرفت که بدون تحمل رنج به قله‌های رفیع علمی دست یافته باشد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که اکثریت مردم در هر جامعه‌ای، معمولاً اهل تعقل و تدبیر نیستند، رفاه‌زدگی و راحت‌طلبی است و مبارزه با این خصوصیات یکی از سخت‌ترین کارهاست چرا که باید مردم را از راحتی جهالت به سمت سختی دانایی کشاند و سختی آگاهی در مسئولیت پس از آن است چراکه علم و آگاهی مسئولیت‌آور است. رفاه‌زدگی با آمدنش، بقیه استعدادها را از بین می‌برد. میل به تجملات بدان معناست که جسم اصالت دارند، نه روح. این روحیه به جای

خداپرستی، بت‌پرستی؛ به جای کار، مصرف‌گرایی؛ به جای توجه به باطن، توجه به ظاهر؛ به جای مقاومت، وابستگی و به جای رقابت در علم و هنر، رقابت در پشم و نخ و پشمینه را به همراه دارد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ.» / «دوستی دنیا، عقل را فاسد و دل را از شنیدن حکمت، ناشنوا می‌کند و عذاب دردناک می‌آورد» (به نقل از ری شهری، ۱۳۷۹: ۸۳).

بنابراین با رفاه‌زدگی، روحیه تحقیق، تفکر در مسائل از بین می‌رود و در نتیجه آن، انسان گرفتار مسائلی بس بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر از رفاه‌زدگی در زندگی می‌شود که در رأس آنها می‌توان فقدان بصیرت را نام برد چراکه با نبود تحقیق، تفکر و مطالعه؛ بصیرت انسان در مسائل مختلف از بین رفته و در مسائل گوناگون نمی‌تواند راه را از بی‌راهه بازشناسد. حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در فرمایشاتی، می‌فرماید:

«خود ما باید مراقب کار خودمان هم باشیم؛ همه‌ی ما! از کوچک تا بزرگ، بخصوص مسئولین مراقب باشند از سهل‌انگاری، از تنبلی، از اشرافیگری، اجتناب بکنند؛ اگر این [طور] شد، خدای متعال توفیقات خود را هم‌چنان که تا امروز به شما ملت ایران مرحمت فرموده است، بعد از این [هم] عطا خواهد کرد» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام؛ ۱۳۹۷/۰۴/۰۹).

۲-۳. دوری از معنویات

بذر شناخت‌های درونی و آگاهی‌های ژرف در پرتو پیراستن جان از تمایلات حیوانی است که می‌شکند و بارور می‌شود. انسان رفاه‌زده در حقیقت مرده است و قلبی که بنده تمایلات نفسانی باشد و فریب عروس فریبکار دنیا را بخورد، قلب نیست. دلی که مهر پرده کریستال در آن جای گرفته باشد و درخشش سنگ چینی آن را از خود بیخود کند و به نور لوستر برنز نورانی بشود نمی‌تواند جای خدا و معنویات باشد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

«هر چه بروید سراغ این که یک قدم بردارید برای این که خانه‌تان بهتر باشد، از معنویتان به همین مقدار، از ارزش‌تان به همین مقدار کاسته می‌شود. ارزش انسان به خانه نیست، به باغ نیست، به اتومبیل نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

در پرتو زندگی‌های بی‌آلایش است که روح می‌تواند با عوالم بلند معنویات پیوند بخورد و با آبشار شناخت و آگاهی‌های درونی مطهر و نورانی شود. از مرحوم آخوند خراسانی نقل شده است:

«من با همه تنگدستی و بیچارگی احساس می‌کردم که فکر من به عالمی بلندتر پرواز می‌کند و قوه‌ای است که روح مرا به خود جلب می‌کند ...» (به نقل از کفایی، ۱۳۵۹: ۲۵۲).

۲-۴. جهاد گریزی

رفاه‌زدگی ثروتمندان، مانع از حضور آنان در جهاد و مبارزه است. اصولاً رفاه‌زدگی اجازه نمی‌دهد تا انسان به کارهای دشوار بپردازد. خداوند در مورد جهاد گریزی مرفهان می‌فرماید:

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» / «راه (مؤاخذه) تنها بر کسانی (باز) است که با آنکه بی‌نیازند باز هم (برای ترک جهاد) از تو اذن می‌طلبند آن‌ها راضی شده‌اند که با به جای ماندگان (از زنان و کودکان و معلولان) باشند و خداوند بر دل‌های آن‌ها مهر (شقاوت) نهاده، از این رو هیچ نمی‌دانند» (توبه، ۹۳).

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» / «اگر [برای مسلمانان سست اراده و منافقان مسلمان نما] غنیمتی [بی‌رنج و مشقت] در دسترس بود و [راه] سفر [به سوی میدان نبرد] کوتاه و آسان بود، مسلماً به دنبال تو می‌آمدند، ولی پیمودن راه طولانی پر مشقت به نظرشان طاقت فرسا آمد، و به زودی به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانایی داشتیم یقیناً با شما بیرون می‌آمدیم [آنان] خود را [به دروغ و تزویرشان] هلاک می‌کنند و خدا می‌داند که بی‌تردید آنان دروغ‌گویند» (توبه، ۴۲).

۲-۵. روزی حرام

علاقه افراطی به رفاه‌طلبی بی‌مورد، به تدریج مرد را به انحراف و روی‌آوری به درآمد‌های نامشروع، وادار می‌کند. خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» / «ای مردم از آن‌چه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید چه این که او، دشمن آشکار شماست» (بقره، ۱۶۸).

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«کلمه (حلال) در مقابل کلمه (حرام) است و کلمه (طیب) در مقابل کلمه (خبیث) معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می‌دهد. (كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا) این جمله اباحه‌ای عمومی و بدون قید و شرط را آماده می‌کند، چیزی که هست جمله: (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ) الخ، می‌فهماند که در این میان چیزهای دیگری هم هست که نامش خطوات شیطان است و مربوط به همین اکل حلال طیب است و این امور، یا مربوط به نخوردن به خاطر پیروی شیطان است و یا خوردن به خاطر پیروی شیطان است و چون تا اینجا معلوم نکرد که آن امور چیست لذا

برای این که ضابطه‌ای دست داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است کلمه سوء و فحشاء و سخن بدون علم را خاطر نشان کرد و فهماند که هر چیزی که بد است، یا فحشاء است یا بدون علم حکم کردن است، پیروی از آن، پیروی شیطان است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۱۸، ۴۱۷).

انسان رفاه‌زده با توجه به این که غرق در دنیا و طلب بیش از پیش آن می‌شود همواره تلاش می‌کند تا زندگی مرفه‌تری را برای خویش فراهم آورد در نتیجه برای تعجیل در دستیابی به این هدف، به مرور زمان تلاش می‌کند تا از هر طریقی روزی خانواده خود را تأمین کند بنابراین قبح مال حرام از دید او کمتر شده و از به دست آوردن مال حرام ابایی نمی‌کند.

۲-۶. هدایت‌گریزی

مسلماً تمایل به مادیات باعث دور شدن از فضای معنویات است. شخص رفاه‌زده (به همان معنایی که قبلاً گذشت و نه شخصی که طالب رفاه به صورت معمول و متعارف است) هرگز نمی‌تواند خدا و دین را محور افکار و اعمال خود قرار دهد. این روحیه انسان را سرگرم زخارف و زیبایی‌های ظاهری دنیایی می‌کند و به جای این که زینت‌های دنیا را وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف اصلی پیش روی خود بداند، آن‌ها را به عنوان هدف تلقی می‌کند. افراط در تجمل و دلگرمی بیش از حد به زخارف مادی، موجب قساوت قلب می‌شود و در نتیجه تمامی روزنه‌های هدایت الهی را مسدود می‌کند. وابستگی بیش از حد به بهره‌برداری از امکانات تشریفاتی در افراد و مسئولان و معتاد شدن به آن موجب می‌شود تا حق و فضیلت‌های انسانی در مقابل آدمی بی‌ارزش گشته و تن به عدالت اجتماعی و انصاف ندهد. در این جاست که به تدریج ارزش‌های اسلامی و انسانی وارونه شده و در جهت منفی متجلی می‌شوند و شخص در گمراهی آشکاری گرفتار می‌شود.

۲-۷. استکبارورزی

استکبارورزی از جمله پیامدهای فردی رفاه‌زدگی است. قرآن کریم شخص رفاه‌زده را شخصی مستکبر می‌شمارد و از عوامل استکبارورزی اشخاص را، مسئله رفاه‌زدگی می‌داند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» / «موسی گفت: پروردگارا! تو فرعون و اشراف وابسته‌ی او را در زندگی دنیا زیور و دارایی داده‌ای که با آن، قوم ما را از راه تو گمراه کنند. خدایا! دارایی‌های آنان را نابود ساز» (یونس، ۸۸).

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه آورده است:

«بعضی از مفسرین گفته‌اند: لام در جمله (لیضلوا) لام عاقبت است و معنای آیه این است که خدایا تو به فرعون و فرعونیان زینت و اموال دادی و عاقبتش این شد که بندگان را از راهت

گمراه کنند. نه لام تعلیل؛ چون ما با ادله‌ای روشن می‌دانیم که خدای تعالی چنین کاری نمی‌کند، یعنی به غرض گمراهی بندگان به دشمنانش مال نمی‌دهد، همان طور که می‌دانیم هیچ رسولی را مبعوث نمی‌کند به اینکه مردم را به ضلالت وادار کند. این سخن در جای خود سخن حقی است لیکن باید دانست که تنها اضلال ابتدایی است که بر خدا محال است و خدای تعالی نه کسی را گمراه می‌کند و نه رسولش را به این منظور می‌فرستد و نه مال دنیا را به این منظور به کسی می‌دهد و اما اضلال مجازاتی و به‌عنوان کیفر در برابر گناهان نه تنها بر خدای تعالی محال نیست و دلیلی بر امتناع آن نداریم، بلکه کلام خدا آن را در مواردی بسیار اثبات کرده است. چه مانعی دارد که خدای تعالی فرعون و درباریانش را که اصرار بر استکبار داشتند و دست از ارتکاب جرائم بر نمی‌داشتند مال و زینت زیادی به آنان بدهد تا دست به اضلال بزنند و جرمشان بیش‌تر و عقابشان افزون‌تر گردد؟» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

در این آیه شریفه بیان می‌کند که تمام همت فرعون و اطرافیان او دست‌یابی به مال بی‌حد است و برای دست‌یابی به آن استکبار می‌ورزند بنابراین خداوند متعال آن را به آنها می‌دهد تا در گمراهی خویش بمانند.

۳. پیامدهای اجتماعی رفاه‌زدگی

رفاه‌زدگی در ابعاد مختلف جامعه می‌تواند آثار سوئی برجای بگذارد که در اینجا به بیان آن در ابعاد معنوی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌پردازیم.

۳-۱. پیامدهای معنوی و اخلاقی جامعه رفاه‌زده

رفاه‌زدگی، در بُعد اخلاقی و معنوی نیز دارای آثار سوءیی می‌باشد؛ از جمله این‌که، انسان رفاه‌زده، به جهت اینکه در منظومه فکری او بُعد مادی بر بُعد ماورایی غلبه دارد و همه مسائل را با چشم مادی می‌نگرد و محاسبه می‌نماید، نمی‌تواند در بُعد اخلاقی فعالیت مثبتی داشته باشد. در نتیجه در حرکت به سوی معنویت دچار مشکل خواهد بود. رفاه‌زدگان برای تأمین هزینه‌های خود، به رذیلت‌های اخلاقی، گرفتار می‌شوند. معمولاً رفاه‌زدگی با اسراف و اتراف همراه است که خود، منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی است زیرا اسراف یکی از نتایج رفاه‌زدگی است. قرآن کریم، اسراف‌کاران را مفسدانی می‌داند که از آنان انتظار اصلاح نمی‌رود. از این رو، نباید از شیوه زندگی آنان تقلید شود:

«وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» / «و فرمان

اسراف‌کاران را پیروی مکنید. آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌شوند» (شعراء، ۱۵۲، ۱۵۱).

اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و دور شدن آدمی از مقام قرب الهی را در پی دارد. از دیگر نتایج رفاه‌زدگی، زیاده‌روی در لذت‌های جسمانی است که مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی باقی نمی‌گذارد و راه را برای تهذیب اخلاقی می‌بندد. پرداختن به تجملات و کام‌جویی‌ها، همواره با ناشایستی‌های اخلاقی و رفتاری همچون فخرفروشی، خودبرتربینی و بی‌بندوباری همراه خواهد بود. از این رو، قرآن کریم، مترفان را مفسد و فاسق معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» /

«چون بخواهیم شهری را نابود سازیم، خوش گذرانانش را فرمان می‌دهیم تا در آن به انحراف (و فساد) بپردازند. در نتیجه، عذاب بر آن (شهر) لازم می‌شود. پس آن را (به تمامی) نابود می‌کنیم» (اسراء، ۱۶).

بدین صورت از دیدگاه قرآن سرنوشت جامعه‌ای که دچار بیماری رفاه‌زدگی شود، جز سقوط نیست؛ و اگر به جای جامعه، این بیماری دامن‌گیر رهبران جامعه شود مصیبت دوجندان می‌شود. بنابراین رفاه‌زدگی در بُعد اخلاقی و معنوی می‌تواند تأثیرات منفی فراوانی بر جای بگذارد و انسان را از معنویت و اخلاق که لازمه تعالی و کمال است دور می‌سازد. مقام معظم رهبری در بیانی تأکید دارند که اشرافی‌گری بلای کشور است جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱).

۳-۲. تبدیل ارزش به ضد ارزش‌ها

تبدیل باورها دینی به ضد ارزش‌ها را می‌توان به‌عنوان نخستین پیامد اخلاقی رفاه‌زدگی برشمرد. با گسترش رفاه‌زدگی، ارزش‌هایی که دین بر آن تأکید کرده و هر انسان عاقلی آن را می‌پذیرد، دستخوش نابودی شده، به‌عنوان ضد ارزش قلمداد می‌گردد. در جامعه‌ای که تمام ارزش آن، دست‌یابی به تجملات بی‌حدوحد باشد، دیگر مفاهیمی چون: زهد، قناعت، انفاق و ایثار هیچ جایگاهی نخواهند داشت. ارزش‌ها از نظر اهمیتی که در سبک زندگی دارند، یکسان نیستند و در مجموعه‌ای جای دارند که به آن «نظام ارزشی» گفته می‌شود؛ این نظام به‌عنوان معیاری برای قضاوت درباره خود و دیگران، انتخاب‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند، یکسان نیست. این اولویت‌ها معمولاً متأثر از خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. در کل، ارزش‌ها در شمار درونی‌ترین لایه‌های شخصیت افراد بوده و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی و هویتی اوست. هر یک از ارزش‌ها را می‌توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاص از رفتار یا هدف نهایی زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل شیوه دیگری از رفتار یا هدف دیگری از هستی قابل ترجیح است. حال اگر فردی باشد که دچار رفاه‌زدگی شده باشد، تجمیع ثروت و خوش‌گذرانی برای او ارزش پیدا می‌کند

و در نتیجه برای او مهم خواهد بود که ماشین و خانه و دیگر وسایلی که در زندگی استفاده می‌کند به روز باشد و این به روز بودن را در معرض دید عموم قرار دهد.

مردم جامعه با دیدن زندگی مرفه او، این شیوه زندگی را آرزو کرده و آن را ارزش تلقی می‌کنند در حالیکه اساساً ارزش نیست. نمونه این اتفاق را در قصه قارون در قرآن کریم نقل شده است:

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» / «روزی قارون با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد» (قصص، ۷۹).

قارون با رفاه‌زدگی زندگی دنیایی خویش را در نهایت تجملات دنیایی ساخته بود اما نتیجه آن در جامعه این بود که مردم با دیدن این زندگی مرفه، آرزوی چنین زندگی کردند در حالی که مؤمنان و اهل علم گفتند:

«وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» / «اما کسانی که علم و دانش به آن‌ها داده شده بود گفتند وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند» (قصص، ۸۰).

بنابراین یکی از تأثیرات منفی رفاه‌زدگی در جامعه این است که مردم جای ارزش را با ضد ارزش اشتباه می‌گیرند.

۳-۳. ضعیف شدن روحیه جهادی

دیگر نتیجه منفی اجتماعی رفاه‌زدگی، ضعیف شدن روحیه جهادی است. در جامعه‌ی اسلامی هر شخصی در برابر خود و اجتماعی، وظایفی بر عهده دارد. اگر بخشی از جامعه به تجملات سرگرم شده باشند، خواه و ناخواه از وظایف خود در بعضی موارد بازمی‌مانند و به خود و دیگران آسیب می‌رسانند. تجمل‌پرستانی که اسیر زنجیرهای مادیات گشته‌اند در انجام وظایف فردی و اجتماعی خود دچار کوتاهی می‌شوند؛ زیرا پرداختن انسان به امور تجملی، او را از توجه به امور مهم زندگی فردی و اجتماعی باز می‌دارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

«وَمَنْ يُرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا فَقَصَرَ فِيهَا أَمَلُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَهُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ» / «کسی که به دنیا عشق بورزد، خدا قلب او را به هر اندازه‌ای که نسبت به دنیا علاقه بورزد، کور می‌کند و هر کس در دنیا زهد

بورزد پس آرزوهای خویش را کوتاه نماید، خداوند به او علمی بدون تعلم و هدایتی بدون اهتداء عطا می‌فرماید (به نقل از حقانی، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

لازمه مجاهدت انسان در راه تعالی خویشتن، دل نبستن به دنیا و مادیات است، که این با اساس منظومه فکری انسان رفاه‌زده نمی‌سازد؛ زیرا همه چیز او دنیای اوست. البته این فقدان تلاش حتی در مورد فعالیت‌های مشروع دنیایی و با اهدافی مادی گریانه نیز برای انسان رفاه‌زده قابل تصور است؛ زیرا چنین انسانی به دنبال رفاه بیش از پیش است، بنابراین تلاش نمی‌کند، کوشش نمی‌کند، نوآوری ندارد، تولید ندارد و به عبارتی صرفاً مصرف‌گراست و بنابراین رفاه‌زدگی هم دنیا و هم آخرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳-۴. دوری از انفاق

رفاه‌زدگی نمی‌گذارد تا انسان درد دیگران را به خود راه دهد و از روحیه همدردی با دیگران برخوردار نیست. در آیه ۷۶ تا ۷۸ سوره قصص با اشاره به شادمانی قارون همراه غرور وی به هنگام رفاه‌زدگی اش اشاره می‌کند که موجب می‌شود تا حاضر نشود به دیگر هم‌وطنان خویش کمکی کند و آنان را در حسرت ثروت خویش می‌گذارد. او حتی حاضر نشد کمی از مال خویش را برای کمک انفاق کند و بینوایان را از فقر و فلاکت رهایی بخشد:

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنَتَأَوُّ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْفِينِ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَآكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ» / «قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. و در آن چه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن، و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن، و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد» (قارون) گفت: «این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام! آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند» (قصص، ۷۸ - ۷۶).

علامه طباطبایی درباره‌ی احسان نکردن قارون در این آیات می‌فرماید:

«خداوند به قارون امر می‌کند که در آن چه خدا به تو عطا کرده از مال دنیا، خانه آخرت را بطلب و با آن آخرت خود را تعمیر کن به اینکه آن مال را در راه خدا انفاق نموده و در راه رضای

او صرف کنی ... و زیادی را از باب احسان به دیگران انفاق کن، همان طور که خدا از باب احسان به تو انفاق کرده، بدون این که تو مستحق آن باشی. ولی پاسخ قارون رفاه‌زده این بود که این مال از آن من است و من با ابتکار عمل خودم آن را به دست آورده‌ام و آن را احسان پروردگار نمی‌دانم. این پاسخ قارون ناشی از رفاه‌زدگی او بود چرا که اگر او انسان مرفهی بوده اما رفاه‌زده نمی‌بود هیچ وقت خدا را از یاد نمی‌برد و در مقابل فقیران و مستمندان قومش احساس وظیفه می‌کرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۳).

۴. پیامدهای اقتصادی جامعه رفاه‌زده

رفاه زدگی برای جوامع مشکلات اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند. فقر و محرومیت در جامعه و ایجاد اختلافات طبقاتی از آثار حتمی رفاه‌زدگی در جامعه می‌باشد که در ذیل به تفصیل به آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۱. فقر و محرومیت

نخستین پیامد منفی اقتصادی رفاه‌زدگی، فقر و محرومیت در جامعه است. رفاه‌زدگی، اسراف و تبذیر را به دنبال خواهد داشت و آشکارترین اثر نامطلوب اسراف، هدر دادن منابع مادی و معنوی جامعه است. ممکن است از نگاه فردی و محدود، اسراف در کالاهایی هم‌چون مواد غذایی و انرژی، ناچیز و بی‌اهمیت به حساب آید، اما روی هم رفته در سطح عمومی، خسارت‌های سنگینی در پی خواهد داشت. اثر مستقیم این رویه، به‌ویژه در جوامعی که درآمد و امکانات محدودی دارند، فقر و محرومیت است. از این رو، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«مَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ» / «هر کس (در اموالش) اسراف و تبذیر کند، خداوند وی را فقیر سازد» (به نقل از آشتیانی، ۱۳۶۲: ۱۸۳).

در اثر اسراف، که از نتایج حتمی رفاه‌زدگی است، امکاناتی که می‌بایست به‌صورت عادلانه بین همه‌ی اقشار جامعه تقسیم می‌شد، در اختیار متمولین جامعه قرار می‌گیرد و آنان با استفاده غیر صحیح از امکانات و هدر دادن منابع در اثر استفاده بیش از نیاز خویش، زمینه کمبود امکانات را فراهم آورده و در پی آن، گروهی از مردم جامعه در اثر عدم توانایی جهت تأمین منابع و امکانات اولیه خود، دچار محرومیت می‌شوند. در نتیجه، رفاه‌زدگی در ایجاد و تداوم فقر در جامعه مؤثر است.

۴-۲. اختلاف طبقاتی

دومین پیامد منفی اقتصادی رفاه‌زدگی در جامعه، اختلاف طبقاتی است. از آثار اقتصادی جوامع رفاه‌زده می‌توان به رباخوری، احتکار، اختلاس، رانت خواری، رشوه، ترک کردن حقوق شرعی، گران فروشی و کم‌فروشی اشاره کرد که نتیجه‌ی قطعی تمامی این مفاسد، ایجاد اختلاف طبقاتی در

جامعه می‌باشد. در صدر اسلام یکی از مشکلات اخلاقی جامعه که امام علی علیه السلام را سخت به خود مشغول داشته بود، دنیاگرایی، فزون‌خواهی بعضی از جامعه بود.

رفاه‌خواهی که اهداف و آرمان‌های اصلی را تحت الشعاع خود قرار داده بود. این امر چنان جامعه آن را از خود بیخود کرده بود که می‌توان ادعا کرد که جنگ جمل محصول قطعی آن روحیه منفی جامعه، بود که امام علیه السلام حاضر نشد سهم طلحه و زبیر را از بیت‌المال بیش از دیگران بدهد (جعفریان، ۱۳۸۱: ۷۶). امام علیه السلام در دومین روز از بیعت خطاب به مردم فرمود:

«آگاه باشید، فردا که فرارسد، کسانی را که در دنیا فرورفته‌اند و گنج‌های دنیا را ذخیره کرده‌اند و آن را (به ناحق) از خود می‌دانند، من آن‌ها را از دستشان بیرون می‌کنم، در نتیجه آنان از رفتار من ناراحت می‌شوند و می‌گویند فرزند ابوطالب، حقوق ما را بر ما حرام نموده است. هرگاه به خواست خدا فردا فرا رسد، نزد من بیایید تا مالی را که پیش ما وجود دارد در میان شما تقسیم کنیم، هیچ یک از شما نباید با ما مخالفت کند خواه عرب باشد یا عجم، اهل بخشش باشد یا نباشد» (به نقل از ابن ابی الحدید، ۱۳۸۸: ۳۷).

شیوه‌ی تقسیمی امام علیه السلام به این گونه بود که مهاجر را بر انصار، بنی‌هاشم را بر بنی‌امیه و بنی مخزوم، عرب را بر عجم و آزاد را بر عبد برتری نداد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۸۳). معیار تقسیم نزد امام علیه السلام تنها اسلام بود. سابقه‌ی دینی برای سهم بیش‌تر از بیت‌المال نزد امام علیه السلام جایی نداشت. ایشان بیت‌المال را در روز جمعه (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۶۳)؛ و بر اساس نگاه دینی و ارزشی تقسیم می‌کردند (تقی، ۱۳۵۳: ۴۶). بنابراین روحیه رفاه‌زدگی برخی از اصحاب و تابعان مانع از اجرای عدالت و تقسیم عادلانه بیت‌المال توسط حضرت امیر علیه السلام شد و این موضوع به اختلاف طبقاتی دامن زد. این افراد که به ثروت‌های هنگفتی در زمان خلفای قبلی دست پیدا کرده بودند سعی می‌کردند از این ثروت برای کسب قدرت بهره ببرند و روز به روز بر استیلای خود بر جامعه بیفزایند و مخالفان و رقیبان خود را از صحنه خارج کنند.

دوران حکومت امام علی علیه السلام شاهد قدرت‌نمایی این دسته از افراد بودیم. این طبقه و طرز تفکر در زمان خلافت ظاهری امام علیه السلام شروع به سنگ‌اندازی و مبارزه علیه حکومت مشروع ایشان نمودند. طلحه‌ها و زبیره‌ها از یک طرف و امویان به سرکردگی معاویه از طرف دیگر. این افراد با مانع تراشی و ایجاد فتنه و هیاهو بر مسیر حکومت امام علیه السلام، ایشان را از تحقق اهداف خود در تأمین منافع دنیوی و اخروی جامعه به زحمت و مشقت می‌انداختند. به‌گونه‌ای که دوره‌ی کوتاه حکومت امام علیه السلام به جنگ و جدال با این تفکر انحرافی و به میدان آمده، سپری شد و امام کم‌تر توفیق یافت به اصلاح اساسی جامعه چه در بُعد مادی یعنی ایجاد رفاه برای عامه‌ی جامعه و چه در بُعد معنوی بپردازد.

این سیاست امام علیه السلام اثرات متفاوتی در سطح جامعه بر جای نهاد. از یک طرف همان‌گونه که ذکر شد این رفتار به مذاق بعضی‌ها خوش نیامد و چون منافع خویش را در خطر می‌دیدند شروع به

مخالفت عملی و علنی با ایشان نمودند؛ اما از سوی دیگر بارقه‌ی امید را در دل اکثریت مردم جامعه روشن کرد و آن‌ها را به آینده‌ی بهتر امیدوار کرد.

آینده‌ای که رفاه عمومی مردم جامعه را به همراه داشت؛ مردمی که در حدود بیست و پنج سال زیر یوغ ستم توان‌گران در بدترین وضع ممکن زندگی می‌کردند و با این حرکت امام علیه السلام طعم شیرین عدالت را چشیدند. با توجه به مطالب بیان شده معلوم می‌شود که امام علی علیه السلام با تمام توان در مقابل رفاه‌طلبانی ایستادگی کردند که تلاش داشتند حضرت علیه السلام را به خاطر تقسیم عادلانه بیت‌المال و حذف فاصله طبقاتی بین آحاد جامعه از خلافت برکنار کنند. بنابراین می‌توان گفت رفاه‌زدگی و نتایج منفی آن بر آتش اختلاف طبقاتی می‌دمد و یکی از راهکارهای برچیدن اختلاف طبقاتی در جامعه، مقابله با رفاه‌زدگی است.

۵. پیامدهای سیاسی و امنیتی

رفاه‌زدگی در بُعد سیاسی جامعه نیز اثرگذار است و در بریدن مردم از مسئولان و رهبران جامعه اثر بسزایی دارد و باعث افزایش وابستگی به بیگانگان می‌شود که در این‌جا این آثار رفاه‌زدگی را تشریح می‌کنیم.

۵-۱. بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان

رفاه‌زدگی در بین طبقات مختلف جامعه وجود دارد و در این بین، مسئولان باید توجه بیش‌تری به این قضیه داشته باشند چراکه رفاه‌زدگی آثار سوء فراوانی همچون دلسردی مردم از مسئولان و رهبران جامعه را به‌همراه دارد. مردم انقلابی از آن جهت که در ظاهر، مسئولان جامعه دینی و انقلابی را در مال و دارایی همراه خود می‌بینند و می‌بینند که همانند آن‌ها زندگی می‌کنند و در مشکلات روزمره، که گاهی نیز کمرشکن‌اند، هم‌درد مردم هستند، مردم نیز در مشکلاتی که از ناحیه دشمن ایجاد می‌شود، در کنار مسئولین خواهند بود. ولی اگر احساس کنند که مسئولان به‌جای قیام به حق قیام برای خود راه، روش و سیره‌ی خود ساخته‌اند و قبل از آن‌که به فکر تأمین مسکن برای مستضعفان باشند، به فکر تعویض مسکن خود هستند، از حکومت ناامید می‌شوند و از مسئولان می‌برند:

«وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا» / «و چه بسیاریند اقوام و جوامعی که به هوسرانی و خوش‌گذرانی پرداختند و ما نابودشان کردیم» (قصص، ۵۸).

مهم‌ترین جلوه‌ی حکومت امام علی علیه السلام اجرای عدالت بود. عدالتی که منشأ عمران و برکات فراوان دیگری می‌باشد. امروزه نیز مسئولین نظام باید به همان شیوه و سیره مولای متقیان علیه السلام تمسک جویند و با دوری از رفاه‌زدگی و پارتی‌بازی و رانت‌خواری و ... مردم را نسبت به نظام

اسلامی روزبه‌روز علاقه‌مندتر کنند. رفاه‌زدگی گروهی از اعضای جامعه باعث می‌شود تا سطح توقع سایر مردم جامعه از مسئولان بالاتر رفته و امکانات و منابع بیش‌تری را مطالبه نمایند به زندگی خویش قناعت نورزیده و زندگی مرفهی هم‌چون آن گروه رفاه‌زده را مطالبه نمایند اما چون هم‌هی مردم جامعه نمی‌توانند به زندگی مرفه آن گروه اندک دست پیدا کنند بنابراین از مسئولان و رهبران خود دلسرد شده و این دلسردی خطرات جدی اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی برای آن جامعه را به همراه خواهد داشت.

۵-۲. افزایش وابستگی به بیگانگان

دومین پیامد اجتماعی منفی اقتصادی رفاه‌زدگی، افزایش وابستگی به بیگانگان است. چنانچه رفاه‌زدگی در جامعه‌ای زیاد شود قطعاً منابع آن جامعه کفاف حیات مرفه و پرزرق و برق مادی را نخواهد داد در نتیجه تقاضا بیش از عرضه خواهد شد و آن جامعه برای بقای خویش روز به روز بیشتر محتاج بیگانگان خواهد شد همان‌گونه که امروز در برخی کشورهای مرفه می‌بینیم. علاوه بر آن، رفاه‌زدگی و تمایل به مظاهر مادی و دنیوی و چشم و هم‌چشمی‌های نامعقول موجب می‌شود زندگی انسان‌ها از سبک زندگی اسلامی دور شود و به جای آن خوراک، پوشاک، وسایل و فرهنگ‌های وارداتی در جامعه نفوذ پیدا کند. وسایل رفاهی غیرضروری در مقایسه با دیگر تولیدات مورد نیاز جامعه تولید یا واردات چشمگیرتری دارند در نتیجه در پاسخ به تقاضاهای مردم برای خرید این‌گونه وسایل، سرمایه و ارز فراوانی از کشور خارج می‌شود و به سرمایه‌هایی که بیگانگان به وسیله آن‌ها بر علیه جامعه اسلام توطئه می‌کنند افزوده می‌شود.

رفاه‌زدگی، راه مصرف‌زدگی را هموار می‌کند و انگیزه تولید را از جامعه می‌گیرد. وقتی جامعه‌ای به اسراف و تجمل‌گرایی پرداخت و آزادانه و بدون کنترل به مصرف‌کننده صرف تبدیل شد، به تدریج از قدرت تولید آن کاسته می‌شود؛ زیرا اگر منابع آن بیش از اندازه مصرف نمی‌شد، در اختیار نیروی تولید درمی‌آمد و در نتیجه، دستگاه‌ها و عوامل تولید افزایش می‌یافت. افزون بر آن، اندیشه‌ای که به مصرف‌گرایی خو کرد، اساساً از فکر و عمل تولید باز می‌ماند.

هم‌چنین، هر قدر اسراف در یک اجتماع فراگیرتر باشد، فاصله میان مصرف و تولید بیش‌تر می‌شود. بدیهی است چنین کشوری، نه تنها توان رشد هم‌زمان با دیگر کشورها را نخواهد داشت، بلکه به پس‌روی کشانده خواهد شد. اما در حقیقت، آزادی انسان، با تجمل‌گرایی و زندگی مصرفی داشتن فراهم نمی‌شود؛ زیرا هر اندازه انسان به تجملات، بیش‌تر گرایش یابد، آزادی خود را نیز به سرعت از بین می‌برد و سرانجام، وابسته و مصرف‌زده می‌شود. آدمی هر قدر وابسته مادیات باشد، به همان اندازه شخصیت انسانی خود را به خطر می‌اندازد و در واقع، فضیلت‌های وجودی خود را از یاد می‌برد و آن‌ها را به خاطر ثروت ناچیز و بی‌ارزش دنیا از دست می‌دهد.

رهبر انقلاب در جلسه‌ای به نمایندگان مجلس تأکید می‌کند که اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدف‌ها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸).

۶. راه‌های برون‌رفت از رفاه‌زدگی و اشرافی‌گری

با توجه به این‌که پیامدهای رفاه‌زدگی در قالب دو گفتار و تحت عناوین پیامدهای فردی و پیامدهای اجتماعی بیان شد در این گفتار می‌خواهیم به بیان راهکارهای برون‌رفت از رفاه‌زدگی و درمان انسان یا جامعه رفاه‌زده بپردازیم. در این گفتار به راهکارهایی هم‌چون تقویت باور به معاد، ساده‌زیستی مسئولان جامعه، رواج الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام و نظارت همگانی پرداخته می‌شود.

۶-۱. تقویت باور به معاد در انسان

یکی از شیوه‌های مهم آموزه‌های دینی، برای مقابله با مفسد اقتصادی و اخلاقی و تحکیم ارزش‌های دینی، تقویت باور انسان‌ها به معاد است. این اعتقاد هم‌چون ناظری درونی، اجرای صحیح دستورهای الهی را تضمین می‌کند. آیه‌های مربوط به اسراف، با نهمی و نکوهش اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و عذاب اخروی اسراف‌کاران را خاطر نشان می‌سازد. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز در روایت‌هایی، با یادآوری پیامدهای اخروی رفاه‌زدگی، همگان را از این عمل ناشایست باز می‌دارند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ» / «بدانید که بخشیدن نابجای مال، تبذیر و اسراف است که قدر بخشنده را در دنیا بالا می‌برد و در آخرت پایین می‌آورد. او را در دیده مردمان گرامی می‌کند و نزد خدا خوار» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

۶-۲. ساده‌زیستی مسئولان جامعه

یکی از عواملی که در دوری مردم از رفاه‌زدگی، مؤثر است، بی‌پیرایه بودن زندگی رهبران و کارگزاران جامعه است. مدل برداری از زندگی کسانی که نقش هدایت را بر دوش دارند، موضوعی است که در آموزه‌های دینی، مورد توجه قرار گرفته است. از امام علی علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند:

«النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» / «مردم به حاکمان خود شبیه ترند تا به پدرانشان» (به

نقل از مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶).

بنابراین چنانچه مسئولان جامعه، زندگی اشرافی‌ای را برای خود انتخاب کنند، بر مردم جامعه تأثیرگذار خواهند بود و سبک و سیره‌ی زندگی مردم جامعه نیز دستخوش تغییر نامطلوب خواهد گردید. بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در ابتدای انقلاب به مسئولین نظام اسلامی، از عواقب اشرافی‌گری هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

«آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده‌ی کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۷۶).

۳-۶. رواج الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام

سومین راه برون‌رفت از رفاه‌زدگی، الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام است. یکی از عوامل مهم در تربیت بشر و از ویژگی‌هایی که در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده، عادت الگوپذیری است. انسان همیشه می‌خواهد در زندگی خود شیوه‌ی کسانی را که در نظر او شرافت و موفقیت دارند و از نظر شخصیت کامل هستند، سرمشق زندگی خود قرار دهد. بنابراین اگر این الگوپذیری با هدایت عقل همراه باشد، انسان را در مسیر رشد، خواهد کرد، چنانچه با جهل و خواسته‌های نفسانی همراه باشد، نتایج زیان‌باری در زندگی انسان دارد و به بزرگ‌ترین مانع در راه هدایت انسان تبدیل خواهد شد. زندگانی ساده پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام مجموعه‌ای از الگوهای ارزشمند است که می‌تواند در زمینه فضایل اخلاقی و رفتاری هم‌چون: قناعت، میانه‌روی، دوری از تجملات، به عنوان الگویی برای همه مسلمانان مطرح شود. خداوند در قرآن درباره الگوگیری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا» / «همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب، ۲۱).

اولین چیزی که در سیره ایشان به چشم می‌خورد این است که؛ سبک خرج بودند در لباس، خوراک، در نشست و برخاست و مسافرت بسیار ساده بودند. این منش در ابتدای شکل‌گیری اسلام سبب شده بود که جامعه سرشار از معنویت شود و مسلمانان به تجملات توجهی نکنند. از میان معصومان، زندگی پربرکت حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها به‌خصوص برای مسلمانان

شیفته راستی و درستی هم‌چون خورشیدی نورافشانی می‌کند، آشنایی با سبک زندگی آن حضرت برای داشتن زندگی ساده، بسیار راهگشا می‌باشد. مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی} می‌فرماید:

«مسئولان در نظام اسلامی نمی‌توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند، پس در نظام اسلامی نیز چنین مواردی مباح است. ... در جمهوری اسلامی ما با نام اسلام به دنبال حکومت پیامبر اسلام ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} و امیرالمومنین ^{علیه‌السلام} هستیم، بنابراین باید با روحیه اشرافی‌گری و شهوت‌رانی به شدت مقابله شود» (بیانات، ۱۳۹۷/۰۱/۲۹).

۷. نتیجه‌گیری

رفاه از نیازهای فطری انسان است که می‌تواند امری ارزشی و مثبت تلقی شود و هم‌چنین می‌تواند امر نابهنجار و ضد ارزش محسوب شود که با واکنش‌ها و تعاملات انسان با مواهب الهی تغییر جهت می‌دهد. مسئله‌ای که مثبت یا منفی بودن رفاه را معین می‌کند، نوع نگاه انسان به آن است. اگر نگاه به دنیا و رفاه در دنیا، ایزاری باشد، پسندیده است. اما اگر نگاه به دنیا و رفاه در آن، استقلال‌ی باشد، انسان را در ورطه‌ی رفاه‌زدگی و دنیاطلبی گرفتار می‌کند. رفاه‌زدگی نتیجه‌ی دنیاطلبی و دنیاگرایی است و این‌که انسان تمام هم و غمش را در همه امور، کسب دنیای بهتر و بیش‌تر قرار دهد. انسانی که آخرت گرا بوده و حیات دنیایی خویش را پلی برای رسیدن به سعادت اخروی و زندگی جاودان بداند گرفتار رفاه‌زدگی نمی‌شود چراکه همیشه به دنبال رضای الهی در همه امور خواهد بود بنابراین نه ظلم می‌کند، نه اسراف می‌نماید و نه دیگر نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی را مرتکب می‌شود.

از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز رفاه‌زدگی، هم‌نشینی با رفاه‌زدگان و توسعه‌ی روحیه‌ی اشرافی‌گری در جامعه، انباشت ثروت و دارایی‌ها، گرایش‌های دنیاطلبانه حاکمان و خواص و نیز مهم‌تر از همه، عدم داشتن شناختی درست و صحیح از ماهیت دنیا است. از نشانه‌های رفاه‌زدگی می‌توان به افراط در خوراک و پوشاک و مسکن مجلل و مرکب یاد کرد. چنین شخصی گویا سیری‌ناپذیر بوده و هوای نفسش او را به استفاده از همه امکانات، نعمات‌ها و ابزارهای حیات مادی دنیوی دعوت می‌کند بنابراین تنوع‌طلب خواهد بود. رفاه‌زدگی دارای پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی می‌باشد. چرا که رفاه منفی هم بر فرد رفاه‌زده تأثیرات نامطلوبی بجا می‌گذارد و هم برای جامعه و اجتماع بسیار مضر و خطرناک بوده و همانند یک بیماری واگیردار، به دیگران سرایت می‌کند.

از مهم‌ترین نتایج فردی رفاه‌زدگی می‌توان دوری از معنویات و فراموشی خدا، فقدان آرامش در زندگی، ناسپاسی نعمت‌های خدادادی، تحقیر دیگران، استکبار و فخرفروشی را نام برد. اما پیامدهای اجتماعی رفاه‌زدگی را می‌توان در قالب سه دسته پیامد دسته‌بندی کرد: پیامدهای معنوی و اخلاقی،

پیامدهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی و امنیتی. و از مهم‌ترین پیامدهای معنوی و اخلاقی رفاه‌زدگی می‌توان به تبدیل ارزش به ضد ارزش، ضعیف شدن روحیه تلاش و کوشش، دوری از انفاق اشاره کرد. ایجاد فاصله‌ی طبقاتی و ایجاد فقر و محرومیت از جمله پیامدهای اقتصادی جامعه رفاه‌زده است. همچنین در شمار پیامدهای سیاسی و امنیتی رفاه‌زدگی اجتماعی می‌توان از بریدن و ناامید شدن مردم از مسئولان و رهبر جامعه و همچنین افزایش وابستگی به بیگانگان یاد نمود.

رفاه‌زدگی یک بیماری لاعلاج نیست و راه‌های درمان خاص خود را دارد. از جمله راه‌های درمان و برون‌رفت از رفاه‌زدگی می‌توان به: تقویت باور به معاد در انسان، ساده‌زیستی مسئولان جامعه، توجّه به هدف خلقت انسان، رواج الگوگیری از سیره معصومان، توجّه به فرجام رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی و احیای امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. مطالعه و درمان انسان‌های رفاه‌زده وظیفه‌ای همگانی است و در آن، حکومت‌ها نقشی مهم ایفا می‌نمایند چرا که اگر در جامعه‌ای مسئولان همچون سایر مردم از رفاه بهره‌مند گردند و به دنبال تجملات و تنوع‌طلبی در حیات مادی خویش نباشند می‌توانند الگویی نیکو برای عموم مردم باشند اما چنان‌چه خود یا فرزندان و نزدیکان آنان گرفتار رفاه‌زدگی شوند عموم مردم نیز به آن ترغیب می‌شوند.

عموم مردم نیز در جامعه ایمانی می‌توانند نقشی اساسی ایفا نمایند چرا که این مردم هستند که جامعه محل زندگی خود را انتخاب کرده و برای سعادت و نیک‌بختی در آن باید و نبایدهایی را وضع می‌نمایند بنابراین چنان‌چه عموم مردم نسبت به رفاه‌زدگی و تجمل‌طلبی واکنشی درخور و مناسب نشان داده و اجازه ندهند که این بیماری به خانواده و نزدیکان خویش سرایت نمایند و با امر به معروف و نهی از منکر تلاش کنند تا فریب خوردگان حیات مادی را متنبه سازند قطعاً شاهد جامعه‌ای آرمانی خواهیم بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آشتیانی، احمد (۱۳۶۲). *طرائف الحکم*. تهران: کتابفروشی صدوق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (بی‌تا). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی

ابن عبد ربه اندلسی، شهاب الدین ابو عمرو احمد بن محمد (۱۴۰۴ ه.ق.). *العقد الفرید*. بیروت: دار الکتب

العلمیه.

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- تقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ش). الغارات. تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی ائمه. قم: انصاریان.
- حقانی، حسین (۱۳۷۳). نظام اخلاقی اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه چاپ دانشگاه تهران.
- دینوری، مسلم بن محمد (۱۳۸۰). امامت و سیاست. تهران: ققنوس.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ه.ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر اسلام.
- کفائی، مجید (۱۳۵۹). مرگی در نور. تهران: نشر زوار.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ه.ق.). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). میزان الحکمه. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Research Article

Consequences of welfare (aristocracy) of officials and ways out of it from the perspective of Islam

Muslim Nazari Sarhani¹

¹. Students of the seminary of Qom, Qom, Iran.

Date of received: 2021/03/30

Date of Accept: 2021/04/14

Abstract

Considering that the well-being of a society is one of the signs of the flourishing of a civilization; Achieving it has been one of the priorities of every society throughout history. But in contrast to welfare, which is referred to in the Qur'an as "around", has been one of the most important obstacles to human growth towards perfection. Although well-being improves livelihoods, it also leads to the corruption of the human soul and the departure from morality. This social phenomenon, which is the result of causes such as human natural desire and convenience, misuse of wealth, power and mismanagement, both, has been created in some societies and it has deviated from moral issues. Political and social. After the death of the Prophet (PBUH), we witnessed the emergence of such a phenomenon among a number of Islamic properties and rulers.

Keywords: Islam, responsible, consequences, welfare, ways out.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Nazari Sarhani, Muslim (2021) a "Consequences of welfare (aristocracy) of officials and ways out of it from the perspective of Islam". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 2, S.No. 14, pp. 107 - 128.

References

Quran

Approach to rhetoric

Anvari, Hassan(2002). *Farhang Bozorg Sokhan*, Tehran, Sokhan Publications. (in Persian)

Ashtiani, Ahmad(1983). *Taraif al-Hakam*, Tehran, Sadough Bookstore. (in Persian)

Email: akbarrashedi123456@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

- Dehkhoda, Ali Akbar(1998). *Dehkhoda Dictionary*, Tehran, Printing Institute, University of Tehran. (in Persian)
- Dinuri, Muslim Ibn Mohammad(2001). *Imamate and Politics*, Nasser Tabatabai, Tehran, Ghoghnoos. (in Persian)
- Haqqani, Hossein(1994), *Islamic Moral System*, Tehran, Islamic Culture Publishing Office. (in Persian)
- Ibn Abd Rabba Andalusia, Shahab al-Din Abu Amr Ahmad ibn Muhammad(1404 AH). *Al-Aqd al-Farid*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya. (in Persian)
- Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid ibn Hiba Allah(Bita). *Sharh Nahj al-Balaghah*, Qom, Maktab Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi. (in Persian)
- Jafarian, Rasool(2002). *Intellectual and political life of Imams*, Qom, Ansarian. (in Persian)
- Kafaei, Majid(1980). *Death in Light*, Tehran, Zavar Publishing. (in Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah(2010). *Sahifa Imam*, Tehran, Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi(1403 AH). *Sea of Lights*, Beirut, Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi. (in Persian)
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad(2000). *Mizan al-Hikma*, translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith Publishing Organization. (in Persian)
- Saghafi Kufi, Abu Ishaq Ibrahim bin Muhammad(1974). *looting*, research by Jalal al-Din Hussein Ermoi, Tehran. (in Persian)
- Tabatabai, Mohammad Hussein(1390 AH). *Balance in the interpretation of the Qur'an*, Beirut, Scientific Foundation for Press. (in Persian)
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahd bin Muhammad(1987). *Compilation of Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam*, Qom, Qom Seminary Islamic Propaganda Office. (in Persian)
- Tayyib, Abdul Hussein(1990). *Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran*, Tehran. (in Persian)
- Yaqubi, Ahmad Ibn Abi Yaqub ibn Wazih(1371 AH). *Yaqubi History*, translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran, Scientific and Cultural Publications. (in Persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی